

## بررسی جامعه‌شناختی موانع ساختاری و انسانی رشد پژوهش‌های اجتماعی کاربردی در ایران در سال ۸۹-۱۳۸۸

دکتر یعقوب موسوی<sup>۱</sup>، فروغ ذائر ثابت<sup>۲</sup>

### چکیده

مهم‌ترین عامل پیشرفت بشر در آغاز هزاره سوم، اهمیت به فرآیند پژوهش و استفاده از یافته‌ها و نتایج آن در عرصه‌های مختلف است. در بسیاری از کشورها، از جمله ایران، نگرانی‌های قابل توجهی در زمینه تحقیقات اجتماعی از یک سو و کاربرد یافته‌ها و نتایج آن از سوی دیگر وجود دارد. پژوهش حاضر با درک اهمیت توجه به پژوهش‌های اجتماعی کاربردی، عواملی را به عنوان موانع اساسی رشد تحقیقات در ایران مورد بررسی قرار می‌دهد و ضمن بررسی ریشه موانع موجود، راه‌کارهایی جهت برطرف نمودن آن ارائه می‌دهد.

از میان تئوری‌های موجود، الزامات نهادی علم مرتون، ساختاربندی گیدنز، مبادله هومنز و سرمایه فرهنگی بوردیو به عنوان مبانی نظری مورد بررسی قرار گرفتند، و چارچوب نظری تحقیق حاضر ترکیبی از نظریه‌های علم و پژوهش محلی - جهانی موسوی، تحقیقات اجتماعی و توسعه سیف‌اللهی، تعاملات و ارتباطات جامعه علمی قانعی‌راد می‌باشند که جهت تنظیم فرضیات و پشتیبانی نظری استفاده شدند. روش بررسی در این تحقیق توصیفی و تحلیلی می‌باشد. جامعه آماری ۸۰۰ نفر از پژوهشگران مراکز پژوهشی دولتی می‌باشد، نمونه با فرمول کوکران ۲۶۰ نفر برآورد و از روش نمونه‌گیری تصادفی مطابق استفاده شد. از میان فرضیه‌های تحقیق بین میزان دسترسی به اطلاعات علمی، موقعیت سازمانی مراکز پژوهشی، ارتباط با شبکه اجتماعی، تعاملات اجتماعی، سرمایه فرهنگی و رشد پژوهش‌های اجتماعی کاربردی رابطه معنادار وجود دارد و فرضیه‌های تحقیق تأیید شد. اما میان تخصیص منابع اقتصادی، هزینه‌های اجتماعی - فرهنگی، و رشد پژوهش‌های اجتماعی کاربردی رابطه‌ای وجود نداشت و فرضیه تحقیق رد شد.

نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد تعاملات اجتماعی و محدودیت مساله‌شناسی بیشترین تأثیر را در متغیر وابسته، رشد پژوهش‌های اجتماعی کاربردی دارند.

**واژگان کلیدی:** پژوهش‌های اجتماعی کاربردی، موانع انسانی، موانع ساختاری

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۸۹/۹/۱۵

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۹/۷/۲۵

<sup>۱</sup> استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه الزهراء، mousavi35@yahoo.com

<sup>۲</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات (نویسنده مسئول) forough.zaersabet@yahoo.com

#### مقدمه

پژوهش های اجتماعی<sup>۱</sup> یکی از راه هایی هستند که به وسیله آن ها می توان به حقایق و واقعیت های موجود در جهان و کشف منابع و راهکارهای نوین به منظور پاسخگویی به نیازها و خواسته های متحول انسان و جامعه دست یافت. به عبارتی پژوهش را باید مبنای همه تحولات و حرکت های اجتماعی، فرهنگی، صنعتی و اقتصادی دانست. هدف از انجام تحقیقات، کشف حقایق تازه، نوآوری و استفاده از آن ها در حل مسائل است. در کشورهای توسعه یافته اعتقاد به تحقیق و بکار بستن نتایج حاصل آن از سوی مسئولان، سیاست گذاران، برنامه ریزان، طراحان، تصمیم گیران و مردم به صورت یک باور عمومی در آمده است و به نظر می رسد که نیاز به تحقیق در این جوامع غیر قابل انکار است و موانع موجود در رشد پژوهش و بکاربردن یافته های پژوهشی<sup>۲</sup> از مهم ترین چالش های حوزه مدیریت پژوهش است. هدف اصلی از انجام تحقیقات اجتماعی در کلیه سازمان ها و دستگاه های اجرایی و صرف بودجه های مادی و انسانی، سعی در بهبود کیفیت، کمک به تصمیم گیری های مناسب، افزایش بهره وری و کارایی سازمان، اتخاذ راهبردهای مناسب، حل مشکلات موجود و دستیابی به اعتماد و اطمینان در برنامه های خرد و کلان است. دستیابی به این اهداف ممکن نخواهد بود مگر از طریق به کار بستن یافته های پژوهشی در تصمیم های اجرایی و مبتنی ساختن برنامه ریزی ها بر اساس نتایج پژوهش های انجام شده. برای این منظور می توان با بررسی پژوهش به عنوان یک مساله، زمینه استفاده از نتایج پژوهشی را فراهم آورد. هدف مقاله حاضر شناسایی و تحلیل مجموعه موانع موجود بر سر راه رشد علم و پژوهش های اجتماعی کاربردی در ایران و در نهایت ارائه راهکارها و پیشنهاداتی جهت رفع این موانع، اصلاح و بهبود ساختارهای توسعه علم در جامعه امروزی ایران می باشد.

#### بیان مساله

با توجه به تحولات روزافزون در جهان، پیچیده شدن جوامع، روند جهانی شدن، ظهور و گسترش علم و در کنار آن تکنولوژی یکی از مهم ترین مسائلی که ذهن پژوهشگران جهان را به خود مشغول می دارد، مساله رشد و توسعه علم و پژوهش است. جهت رسیدن به توسعه پایدار در هر کشور و پیش گیری از آسیب های اجتماعی- اقتصادی- فرهنگی نیاز به تولید علم و پژوهش امری اجتناب ناپذیر به نظر می رسد. استفاده از تحقیقات در برنامه ریزی ها و تصمیم گیری ها در جوامع امروزی ممکن به دو

بررسی جامعه‌شناختی موانع ساختاری و انسانی رشد پژوهش‌های اجتماعی..... ۹

شکل صورت گیرد: اول جوامعی که به سطح مطلوبی از توسعه اجتماعی، اقتصادی و سیاسی دست یافته‌اند و در نتیجه به آگاهی‌های علمی و فنی لازم هم رسیده‌اند در این جوامع استفاده از نتایج تحقیقات بر اساس روحیه و تفکر پژوهش‌محور است، که در این شیوه ضمن مطالعه دقیق و عمیق یافته‌های پژوهشی در مورد یک مساله تلاش می‌شود با جمع‌بندی و تحلیلی جامع، تصمیمی عقلانی اتخاذ شود. در جهت مقابل، جوامعی‌اند که در سطح پایین‌تری از توسعه قرار دارند و به همان میزان چه از لحاظ ساختاربنندی نهادهای جامعه و چه از لحاظ عوامل انسانی در فرآیند رشد و توسعه نتوانسته‌اند پایگاه مناسبی را برای خود تدارک ببینند. در این جوامع از یک طرف عقیده بر بی‌تاثیر بودن پژوهش در تصمیم‌گیری‌ها است باور این است که تصمیم‌گیری باید در جای دیگر و به واسطه بررسی‌های مشخص و متکی به تصمیم‌های فردی باشد و از طرف دیگر، اگر هم اتکایی به تحقیقات داشته باشد، راهکارهایی سریع و فوری برای یک اقدام را انتظار دارد. ایران نیز از جمله کشورهای دسته دوم محسوب می‌شود، امروزه پژوهش از جدی‌ترین نیازهای کشور ماست و این نیاز ناشی از قرار دادن توسعه به عنوان محور همه برنامه‌ها و اقدام‌هاست. تحقیق و توسعه در واقع فرآیندهای لازم و ملزوم یکدیگرند. پیش‌شرط توسعه در همه ابعاد شناخت جامع و دقیق وضعیت موجود و مطلوب است. چنین شناختی جز با پژوهش به معنای درست آن حاصل نمی‌شود. از این رو با توجه به وضعیت پژوهش به خصوص پژوهش‌های اجتماعی در کشور ما بجاست که ضمن نگرانی در این زمینه در صدد یافتن راه‌هایی برای رفع موانع پیش‌روی و احتمال بکارگیری یافته‌های پژوهشی باشیم. با توجه به تمام مطالبی که مطرح شد سوال اصلی این بررسی این است که:

چه عوامل ساختاری و انسانی به عنوان موانع رشد پژوهش‌های اجتماعی کاربردی در ایران وجود دارند؟

#### اهداف تحقیق

هدف اصلی این پژوهش شناسایی و تحلیل مجموعه موانع موجود بر سر راه رشد علم و پژوهش‌های اجتماعی کاربردی در ایران و رسیدن به راهکارهایی جهت اصلاح و بهبود ساختارهای توسعه علم در جامعه امروزی ایران می‌باشد.

### اهداف فرعی

- ۱- بررسی وضعیت کنونی تحقیقات اجتماعی کاربردی در ایران.
- ۲- بررسی موانع و تنگناهای ساختاری پیش رو در رشد و توسعه پژوهش های اجتماعی کاربردی در جامعه ایران.
- ۳- بررسی موانع و مسائل انسانی پیش رو در رشد و توسعه پژوهش های اجتماعی کاربردی در جامعه ایران.
- ۴- بررسی پیامدهای وضع موجود بر تحقیقات اجتماعی کاربردی در جامعه ایران.
- ۵- ارائه راهکارهای پیشنهادی جهت رفع موانع رشد و توسعه علم و پژوهش های اجتماعی کاربردی در ایران.

### رویکردهای عمده جامعه شناسی علم (مبانی نظری)

از نظر جامعه شناسی، نظریه های موجود علم و تکنولوژی بر اساس معیار زیر قابل طبقه بندی است.

### عوامل اجتماعی:

- ۱- عوامل اجتماعی داخل فضای علم،
  - ۲- عوامل اجتماعی خارج فضای علم (عوامل اقتصادی - اجتماعی - فرهنگی).
- در یک طبقه بندی دقیق تر با توجه به نوع عوامل اجتماعی موثر بر رشد و توسعه علم و تکنولوژی، رویکردهای جامعه شناختی به رویکرد برون گرا و درون گرا تقسیم می شوند. دانشمندان و محققان دارای رویکرد برون گرا واقعیت علمی را دستخوش عوامل ماورای علمی و مشخصا عوامل اجتماعی می دانند (توکل، ۱۳۷۰: ۳۴). در پرتو این عوامل اجتماعی بیرونی مانند مذهب، فرهنگ، اخلاق اجتماعی و... پیشرفت علم تحقیق می پذیرد. این رویکرد بر یک اصل کلی استوار است و آن این است که عملکرد نهاد علم تابع و وابسته به جهت گیری های خاص نظری و عملی نهادها و نظام های دیگر اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است چنین فرضی استقلال را از نهاد علم می گیرد و دانشمندان را برای مطالعه فراز و نشیب تغییرات و تحولات علمی به سمت عوامل بیرون از نهاد علم سوق می دهد. (ابراهیمی، ۱۳۷۱: ۳۹). در رویکرد درون گرا با دیدگاهی سیستمی به جای اینکه تاثیر عوامل بیرونی اهمیت داشته باشد بیش تر به کل نظام علمی تاکید می شود مساله تعیین واقعیت های علمی تحت تاثیر عوامل درونی فضای علم قرار دارند این فضا یا

بررسی جامعه‌شناختی موانع ساختاری و انسانی رشد پژوهش‌های اجتماعی..... ۱۱

سیستم علمی مشتمل است بر عناصر مختلف از قبیل دانشمندان، کشفیات سابق، کتابها و مجلات علمی، ارتباطات دانشمندان با یکدیگر رقابتهای، اعتبارات مالی تخصیص‌ها و اعتبارات. (توکل، ۱۳۷۰: ۳۶). عمده‌ترین مبانی تئوریک که از هر دو منظر درونی و بیرونی، ارتباط متقابل علم و جامعه و از دیدگاهی خاص تر تاثیر متقابل تحقیقات اجتماعی و جامعه را مورد بررسی قرار می‌دهند از این قرارند:

**رویکرد کارکردگرایی:** مطالعه علم به عنوان یک نهاد اجتماعی، که دارای ویژگی‌های یک پدیده اجتماعی است، بخش مهمی از ادبیات موجود در جامعه‌شناسی علم کشورها را به خود اختصاص می‌دهد. یکی از رهیافت‌های مهم در جامعه‌شناسی علم، رهیافت کارکردگرایی است. این رهیافت به لحاظ زمانی مقدم بر رهیافت‌های دیگر در حوزه جامعه‌شناسی علم بوده و عمده‌ترین نظریه پرداز آن رابرت مرتون می‌باشد. مرتون<sup>۳</sup> با استقلال قائل شدن برای فضای علمی به دنبال ارزش‌ها و هنجارهای علمی است که رفتار اجتماع علمی را شکل می‌دهند. از نظر مرتون، جامعه‌شناس مشهور آمریکایی، موضوع جامعه‌شناسی علم، بررسی وابستگی متقابل و پویای بین علم و ساخت اجتماعی پیرامون آن است. ساختارهای مختلف اجتماعی، تأثیرات گوناگونی بر میزان توسعه علمی، کانون‌های علاقه و محتوای علم دارند. هدف جامعه‌شناسی علم مرتون، تحلیل کارکردی وابستگی علم، به ساختار اجتماعی است. وی در سال ۱۹۴۲ مقاله‌ای به نام ساختار علم منتشر کرد و در آن مطرح نمود که دانشمندان به‌عنوان کنشگران اجتماعی، در جامعه علمی براساس هنجارها و قواعد معینی عمل می‌کنند که مرتون آنها را ساختار هنجاری علم یا اخلاقیات علم می‌نامد. وی همچنین در مقاله بسیار مشهور خود زیر عنوان «علم و نظام اجتماعی» به چهار الزام نهادی در علم اشاره می‌کند که این الزامات یا با نیازهای فنی علم در رابطه است و یا از آن ناشی شده است که عبارتند از:

۱. جهانی بودن<sup>۴</sup>: پذیرش یا طرد ادعاهای مربوط به علم، متکی به ویژگی‌های شخصی یا اجتماعی عرضه‌کنندگان آن‌ها نیست، و این‌گونه یافته‌ها ارتباطی با نژاد، ملیت، مذهب، طبقه اجتماعی و سایر ویژگی‌های مشابه مربوط به تولیدکنندگان ندارد. عینیت در مرحله‌ای فراتر از خصلت‌های فردی و گروهی قرار دارد.

۲. عمومیت داشتن<sup>۵</sup>: یافته‌های علمی محصول همکاری اجتماعی است و به اجتماع تعلق دارد. این یافته‌ها در حکم میراث مشترک است، که در آن نقش‌های انفرادی در تولید علم بسیار کم اهمیت

شمرده می شوند. افراد یک جامعه، در تولید علمی مشارکت داشته یا نداشته باشند، در بهره مندی از آن سهم خواهند بود. (محسنی، ۱۳۸۶: ۶۸-۷۵)

۳. شک سازمان یافته: علم که سؤالاتی را درباره واقعیت ها، و ویژگی های جنبه های مختلف طبیعت و جامعه مطرح می سازد ممکن است با سایرگرایش ها در رابطه با همان جنبه ها در تضاد قرارگیرد، گرایش هایی که دارای ابعاد عاطفی و ارزشی نیز می باشد. (Merton, 1977:277). این هنجار به مفهوم به تعویق انداختن قضاوت تا حصول شواهد قطعی است. احکام قلبی تا زمان تأیید اعتبار آن ها از طریق آزمون اعتبار علمی ندارند.

۴. بی تفاوتی عاطفی<sup>۷</sup>: علم، تا آن جا که با نظام های حرفه ای ارتباط پیدا می کند بی طرفی عاطفی را به عنوان یک عنصر اصلی نهادی شامل می گردد. البته به عواملی مانند شوق به دانش، کنجکاوی، توجه به علائق و نیازهای بشری و سایر انگیزه های خاص و فعالیت های دانشمندان مرتبط است (Merton, 1977:275).

**رویکرد ساختاربندی:** اما در روابط اجتماعی جهان امروز نمی توان به تاثیر تک عاملی بسنده کرد زیرا این تاثیر دوسویه افراد و ساختارهای جامعه است که بر روند مسائل اجتماعی موثر است. این پژوهش نیز برای بررسی عوامل رشد یا عدم رشد تحقیقات اجتماعی در ایران به نقش متقابل عاملیت و ساختار توجه ویژه دارد. واقعیت اجتماعی از انواع متنوعی از ساختارها تشکیل شده است، یعنی کل هایی مرکب که از رابط های بین اجزا تشکیل شده اند. هر یک از این ساخت ها محصول فرآیند های تاریخی ساخت یابی هستند. از سوی دیگر، این ساخت ها با انسان هایی که زندگی خود را به واسطه آنها سامان می دهند، پرمی شوند. این انسان ها هستند که تصدیق نقش ها را در نهادها برعهده می گیرند، به باورهایی معتقد می شوند یا در مناسباتی نابرابرانه قرار می گیرند. از لحاظ واقعیت اجتماعی، تمایز بین اجزای ساخت اجتماعی و این مواد و مصالح انسانی، تمایزی بنیادین است. بر اساس نظریه ساختاربندی، قلمرو پژوهش اساسی علوم اجتماعی نه تجربه کنش گر فردی و نه وجود نوعی کلیت اجتماعی، بلکه کردارهای اجتماعی سامان یافته در مکان و زمان است. گیدنز در همه آثارش به کرات به مفاهیم مکان و زمان اشاره می کند. از دیدگاه وی یکپارچگی اجتماعی به دو سویگی کنش گران در موقعیت های چهره به چهره باز می گردد، یکپارچگی نظام، متضمن دو سویگی گروهها و جماعت هاست، چیزی که از خلال زمان و مکان حاصل می شود (کرایب، ۱۳۸۱: ۱۴۱-۱۵۵). گیدنز می گوید ساخت یابی «به نحو انتزاعی به

بررسی جامعه‌شناختی موانع ساختاری و انسانی رشد پژوهش‌های اجتماعی.....۱۳

فرآیندهای پویایی اطلاق می‌شود که ساخت‌ها طی آن به وجود می‌آیند. «انتظام فضایی و زمانی، و اشاعه الگوهای کنش متقابل اجتماعی، یعنی تشکیل جامعه، یا انسجام سیستمی، به دست کنشگران صورت می‌گیرد. اما آن‌ها با در اختیار داشتن پیش شرط‌ها و لوازم کنش انسانی قادر به اعمال توان عاملیت تاریخی و قابلیت دگرگون‌ساز خود می‌شوند. ساخت‌ها، کاری انجام نمی‌دهند، بلکه از رهگذر آگاه شدن کنشگران و استفاده آنان از قواعد و تدابیر است که تأثیر خود را برجای می‌گذارند. ساخت‌ها مجهز به امکان قادر ساختن فعالیت‌های خاص در یک موقعیت یا چارچوب معین‌اند و همین امر است که وجود آن‌ها را تثبیت و مسجل می‌کند. ساخت‌ها به عنوان موجوداتی بالقوه، تنها از یک وجود امکانی برخوردارند و با خلق فقرات و آفات تشکیل شدن‌شان، یعنی در جریان خلق مدام آن‌هاست که وجود می‌یابند یا، به عبارت دیگر، حضور پیدا می‌کنند (Giddens, 1979:5).

**رویکرد فرهنگی بوردیو:** پیر بوردیو جامعه‌شناس فرانسوی، به پدیده علمی به صورت یک میدان<sup>۸</sup> می‌نگرد: علم دنیایی است بین کل جامعه و افراد مختلف و نهادها. شخصیت‌های علمی تولید کننده محصولی هستند که در انحصار این میدان قرار می‌گیرد. به همین طریق می‌توان از میدان ادبی<sup>۹</sup> صحبت کرد که محصول آن آثار ادبی است. (کتاب، رمان، شعر...) این مفهوم، به نظر بوردیو به ما اجازه می‌دهد تا دربارهٔ عملکرد بخشی از جامعه به طور منسجم صحبت نمایم. از نظر بوردیو جهان علمی همانند میدان‌های مختلف اجتماعی، نوعی بازار است که در آن تضاد و رقابت جهت دستیابی به سرمایه نمادین<sup>۱۰</sup> صورت می‌گیرد. هدف نهایی، انباشت سرمایه نمادین است. هر پژوهشگر همانند یک سرمایه‌دار است که سعی می‌کند مدیریت سرمایه خود را به نحو احسن به عهده گیرد. همان‌گونه که سرمایه‌داری بر مبنای نابرابری اقتصادی است، قدرت محققین نیز توزیعی نابرابر دارد (جهانبخش، ۱۳۸۶: ۴-۸). وی به همراه همکارانش مفهوم سرمایه فرهنگی را در اوایل دهه ۱۹۶۰ به منظور رفع یک مسئله تجربی ویژه - موانع اقتصادی برای تبیین نابرابری‌های موجود در موفقیت‌های آموزشی دانش‌آموزان طبقات اجتماعی مختلف، کافی نیست - ابداع نمود. بوردیو معتقد بود که علاوه بر عوامل اقتصادی، عادت‌واره‌های فرهنگی و خصلت‌های به ارث برده شده از خانواده هستند که نقش بسیار مهمی در موفقیت‌های مدرسه ایفا می‌کنند. بوردیو، بر آن عقیده بود که فرهنگ دارای بسیاری از ویژگی‌هایی است که از مشخصه‌های سرمایه اقتصادی به شمار می‌روند. مخصوصاً وی بر این نکته تأکید داشت که عادت‌واره‌ها و

خصلت های فرهنگی، دربردارنده منابعی هستند که می تواند سودهای زیادی به همراه داشته باشد. عادت واره ها و خصلت های فرهنگی به طور بالقوه این استعداد را دارند که از سوی گروهها و افراد به انحصار درآیند؛ و در شرایط مناسب از نسلی به نسل دیگر منتقل شود. (Weininger&Lareau, 2003) وی معتقد بود که هرگونه قابلیت تا آن جا که تخصیص میراث فرهنگی یک جامعه را تسهیل می نماید به نوعی سرمایه تبدیل می شود، اما این قابلیت به گونه برابر توزیع نشده است، در نتیجه زمینه ای برای امتیازات انحصاری به وجود می آورد. علاوه براین، به اعتقاد بوردیو، در جوامعی که ساختار اجتماعی تمایز یافته و نظام آموزش رسمی وجود دارد، این امتیازات انحصاری، تا اندازه زیادی از طریق نهادینه شدن ملاک های ارزیابی که به نفع طبقه یا طبقات خاصی است، ایجاد می گردد. افزون بر این، بوردیو استدلال نموده است که سرمایه فرهنگی به سه شکل وجود دارد: سرمایه فرهنگی در شکل تجسم یافته اش، صورت قابلیت یا توانایی هایی را به خود می گیرد که نمی توان آن را از حامل اش (یعنی شخصی که آن مهارت ها و قابلیت ها را دارد) جدا نمود. همچنین بوردیو معتقد است که اشیاء نیز می توانند به عنوان شکلی از سرمایه فرهنگی عمل نمایند، تا آن جا که استفاده از آن ها یا مصرف آنها مستلزم داشتن میزان مشخصی از سرمایه فرهنگی است و در نهایت این که در جوامعی که نظام های رسمی برای آموزش رسمی وجود دارد، سرمایه فرهنگی به شکلی نهادینه شده وجود دارد. از سوی دیگر سرمایه فرهنگی، تاثیر چشمگیری بر جامعه شناسی نهاده است، زیرا این مفهوم را در مرکز تحقیقات راجع به قشر بندی اجتماعی وارد نموده است. از نظر بوردیو، طبقات بر اساس حجم کلی سرمایه (اقتصادی و فرهنگی) که افراد و خانواده ها در اختیار دارند، از هم متمایز می گردند. در درون طبقات نیز، خرده طبقات بر اساس سرمایه هایی که در اختیار دارند و یا به عبارت دیگر، از طریق میزان سرمایه های اقتصادی به علاوه سرمایه فرهنگی شان از هم متمایز می گردند. اطلاعات گردآوری شده بوسیله بوردیو نشان می دهد که هر طبقه (و خرده طبقه) الگوی منحصر به فردی از ذائقه را دارا است، که با ترکیب خاصی از سرمایه های اقتصادی و فرهنگی هماهنگ است.

**رویکرد مبادله:** در میان دیدگاه های خرد نیز می توان نظریاتی را استخراج نمود که توانایی تبیین موانع پژوهش های اجتماعی را دارا هستند. البته باید توجه شود که تاکید بیشتر این نظریات مطالب مربوط به موانع انسانی را پوشش می دهد و در کنار آن به موانع ساختاری نیز نظری می افکند. نظریه مبادله از جدید ترین نظرات فرد گرایانه متکی بر روان شناسی رفتاری است. یکی از نظریه

بررسی جامعه‌شناختی موانع ساختاری و انسانی رشد پژوهش‌های اجتماعی.....۱۵

پردازان این نظریه جورج هومنز می‌باشد. علاقه اصلی او متوجه الگوهای ترغیب و سابقه پاداشها و خسارتهایی است که مردم را وادار می‌دارند تا آنچه را که باید بکنند، انجام دهند. او برای ارائه نظریه خود به چند اصل یا قضیه متوسل می‌شود. در اینجا ما به دو قضیه او اشاره می‌کنیم که می‌تواند رفتار انسانی را تبیین کند این قضایا عبارتند از:

قضیه موفقیت: «در مورد همه اعمالی که اشخاص انجام می‌دهند، غالباً این گونه است که هر عملی از یک شخص اگر که مورد پاداش قرار گیرد، احتمال تکرار آن عمل به وسیله همان شخص افزایش می‌یابد». همچنین هر چه یک عمل کم تر به پاداش منجر شود، همان قدر آن عمل کم تر مستعد تکرار است نهایتاً اگر یک عمل پس از یکبار پاداش یافتن هرگز پاداش داده نشود از آن پس، دیگر هرگز شخص تمایل به انجام آن نشان نخواهد داد.

قضیه ارزش: «هر چه نتیجه یک کنش برای شخص با ارزش تر باشد، احتمال بیشتری دارد که همان کنش را دوباره انجام دهد». در این رابطه هومنز دو مفهوم پاداش و تنبیه را مطرح می‌کند پاداش به کنشی اطلاق می‌شود که ارزش مثبتی داشته باشد و هر افزایشی در پاداش، احتمال برانگیختن رفتار دلخواه را بیشتر می‌سازد. پاداشها هم می‌توانند مادی باشند (مانند پول) و هم نوعدوستانه (مانند کمک به دیگران) اما تنبیه به کنشی اطلاق می‌شود که ارزش منفی در برداشته باشد؛ هر افزایشی در تنبیه، کنشگر را وادار می‌دارد که رفتار غیر دلخواه را کمتر از خود نشان دهد (Ritzer, 1989). در واقع وقتی تئوری مبادله مطرح می‌شود، یکی از راه‌های پیشنهادی برای رفع موانع تحقیقات است، زیرا به دلیل بالا بودن هزینه پژوهش، کنشگران در هیچ زمانی گزینه پژوهش را انتخاب نمی‌کنند و تا زمانی که گزینه‌های دیگر هزینه‌های کمتر و پاداش بیشتری دارند پس تمایل به سمت آنها است. در نتیجه باید بررسی نمود که در جامعه هزینه‌های انجام پژوهش‌های اجتماعی بیشتر است و یا پاداش آن. این هزینه‌ها شامل هزینه‌های مادی، روانی و اجتماعی می‌شود.

### رویکردهای ناظر بر تحقیقات اجتماعی کاربردی در ایران (چارچوب نظری):

به نظر برونوفسکی این‌ها فضایل عمومی دانش‌پژوهی است و به نحو غریبی فضایل علم نیز هست. او معتقد است علم ارزش‌های ما را به دو شیوه تغییر می‌دهد. اول این که مفاهیم تازه‌ای را به فرهنگ ما تزریق می‌کند و دیگر این که آن را در معرض فشار تغییرهای فنی قرار می‌دهد، تا آن که تمامی زیربنای فرهنگ را به تدریج دگرگون و بازسازی کند. علم، هم یک نهاد اجتماعی

خاص با هنجارها و ارزش‌های مخصوص به خود است و هم، جزئی از جوامعی است که این علم در آن‌ها به کار می‌رود (توسلی، ۱۳۸۸)

رویکردهای متفاوتی در زمینه بررسی علم و موانع پژوهش‌های علمی وجود دارد و نظریه پردازان مختلف ایرانی از دیدگاه‌های گوناگون به بررسی آن پرداخته‌اند. اما آنچه در این تحقیق مورد توجه قرار گرفته این است که وضعیت پژوهش، رشد و توسعه آن تحت تاثیر و تعیین هم شرایط اجتماعی داخلی و هم فضای خارج از علم قرار دارند و هم واقعیت‌های علمی تحت تاثیر این عوامل هستند. این نکته اهمیت دارد که تبیین رشد و توسعه علم بدون توجه به این عوامل و با دیدی تک علتی تبیینی ناقص و نارسا است. برای بررسی بیشتر علم و پژوهش و وضعیت آن در ایران می‌توان با استفاده از برخی از نظریاتی که اندیشمندان ایرانی در این زمینه مطرح کرده‌اند این مساله را تبیین نمود.

**تعاملات و ارتباطات در جامعه علمی:** به نظر قانعی راد با توجه به گسترش فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات اجتماعات علمی را می‌توان به دو نوع واقعی و مجازی تقسیم بندی کرد. فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات با گسترش مناسبات اجتماعی غیر مستقیم، نوع خاصی از تعاملات به نام اجتماع علمی مجازی را ایجاد کرده است و گفتگو و مبادلات علمی را به فضای مجازی کشانده است. اعضای اجتماعات مجازی جایگاه و محل یکسانی ندارند، ولی از علایق مشترکی برخوردارند. این اجتماعات تعامل هم زمان، افراد را بر مبنای اشتراک اهداف و علایق و نه نزدیکی اتفاقی مکانی به همدیگر ارتباط می‌دهند.

اجتماعات علمی را بر حسب گستردگی و دامنه جغرافیایی آن، به دو صورت موقعیت‌های محلی و شبکه‌های اجتماعی می‌توان بررسی کرد. از یک سو علم را می‌توان یک پدیده محلی قلمداد کرد و از سوی دیگر، تعاملات در اجتماعات علمی را با توجه به مفهوم شبکه‌ها می‌توان تحلیل کرد. در موقعیت‌های محلی تعاملات و ارتباطات رویاروی رخ می‌دهند و مناسبات غیر رسمی اهمیت می‌یابند، ولی در شبکه‌ها، ارتباطات نا رویاروی، غیر مستقیم و اغلب رسمی غلبه دارند. شبکه‌های پژوهشی، اجتماعاتی بدون مرزهای ذاتی و طبیعی، با عضویت نا پایدار و موقت را شامل می‌شوند. کارگزاران در شبکه‌ها به عنوان حوزه‌ها و قلمروهای باز به هیچ دسته منطقی خاصی تعلق ندارند. این شبکه‌ها فاقد مرز بندی طبیعی و منبع درونی یکپارچه هستند. سازمان‌های علمی از طریق تشکیل شبکه‌های پژوهشی بر فضای جغرافیایی پل می‌زنند و طیف انتشار و اشاعه

بررسی جامعه‌شناختی موانع ساختاری و انسانی رشد پژوهش‌های اجتماعی.....۱۷

اطلاعات را گسترش می‌دهند. یکی از اهداف سازمان دهی پژوهشی در صورت شبکه‌ای، فائق آمدن بر حدود و مرزهای رشته‌ای، به منظور تولید دانش وسیع‌تر و جامع‌تر است. انجام پژوهش هدف‌گرا نیز با تمایل برای توسعه شبکه‌ها پیوند دارد. توجه جدی به تعاملات کنشگر انسانی و محیط مادی و تجهیزات، تاکید بر فرآیندهای گوناگون نظام مورد مطالعه، تمایز پذیری درونی و بیرونی همراه با درجه‌ای از انسجام و ثبات را به دست می‌آورد (قانعی راد ۱۳۸۵: ۲۷-۲۹).

**موقعیت محلی و شبکه اجتماعی:** کالینز نظریه عمومی مراسم کنش متقابل<sup>۱۱</sup> را برای بیان روابط بین اعضای اجتماعات محلی به کار می‌برد. مراسم تعاملی همیشه در یک موقعیت محلی<sup>۱۲</sup> جایگاه کنش‌های متقابل است و در آن، انسان‌های آگاه، رویاروی یکدیگر قرار می‌گیرند. (مراسم تعاملی متمایز دانشمندان به کنش‌های متقابل و گرد همایی‌های آنان برای گفتگوهای جدی، نه به خاطر معاشرت و دلایل عملی دیگر، باز می‌گردد). بحث، سخنرانی، استدلال، اثبات و شواهد، کنفرانس‌ها و سایر گردهمایی‌ها، موقعیت‌هایی را برای گفتگو فراهم می‌سازند. ساختارهای ارتباط رویاروی، ثابت‌ترین واقعیت‌دنیای دانشمندان و اهل معرفت را تشکیل می‌دهند. از آرا و اندیشه‌های کالینز می‌توان قضایای زیر را استخراج کرد:

- شرکت در مراسم تعاملی در طی زندگی روزمره، انسجام اجتماعی را ایجاد می‌کند. در دنیای علم نیز این مراسم‌گرایی وجود دارد. در مراسم تعاملی و کنش‌های متقابل افراد، توجه متقابل و حالات عاطفی افراد تمرکز می‌یابد. شرکت‌کنندگان احساس می‌کنند که اعضای یک گروه‌اند و نسبت به یکدیگر تعهدات اخلاقی دارند. کانون اساسی یک گروه فکری، آگاهی از تداوم گروهی به‌عنوان یک فعالیت گفتمانی است، آگاهی با مشارکت در فعالیت‌های مشترک هر بار از نو زنده می‌شود و دانشمندان را به عنوان یک "اجتماع شعائری" به همدیگر پیوند می‌دهد. ساختارهای ارتباط رویاروی، ثابت‌ترین واقعیت‌دنیای دانشمندان و اهل معرفت را تشکیل می‌دهند و هنوز تماس‌های شخصی بین دانشمندان یا معلمان و شاگردان برجسته آنها، صورت اجتماعات علمی را تشکیل می‌دهند.

- ارتباطات و رویارویی‌ها دارای نتیجه عاطفی‌اند. انرژی عاطفی عبارتست از نیرو و قوتی که از مشارکت موفقیت‌آمیز افراد در یک مراسم تعاملی حاصل می‌شود. مراسم تعاملی، افراد را از انرژی عاطفی پر می‌کند. این انرژی عاطفی، به افراد شور و اشتیاقی برای حرکت به طرف اهداف

نمادین می‌دهد. انرژی عاطفی همچون انگیزش‌های اجتماعی، در موقعیت‌های کنش متقابل رویاروی ایجاد می‌شوند و پویایی‌های رفتارهای افراد را فراهم می‌کنند.

- الگوهای ارتباطی شبکه‌ای و گسترده در اجتماعات علمی، سرمایه فرهنگی را به شکل نماد تولید می‌کنند. شرکت کنندگان در ارتباطات شبکه‌ای با جدایی عاطفی و آگاهی تاملی بیشتر با نمادهای انتزاعی برخورد می‌کنند.

- دنیای دانش و پژوهش، چیزی جز یک جهان کلان گفتگو و مکالمه نیست که سرمایه فرهنگی را در مراسم رویارویی متناوب همایش‌ها، جلسات بحث و مناظره و سخنرانی‌ها به جریان در می‌آورد. آن چه یک فرد را عضو این دنیای فکری می‌کند، مشارکت او در این فضای گفتگو است (قانعی راد، ۱۳۸۵: ۱۲۹).

همچنین مولکی فرآیندهای گفتگو و مذاکره را در شکل‌گیری معرفت علمی، اساسی می‌داند و از آرای او می‌توان قضایای زیر را استنتاج کرد:

- اجماع علمی تاحدی بوسیله فرآیندهای گفتگو و مذاکره غیررسمی بین شرکت کنندگان، دارای علایق مشترک و برخی علایق متعارض، حاصل می‌شود.

- آفرینش اجماع علمی و خلق معرفت علمی، فرآیندی اجتماعی است که لزوماً به کاربرد معیارهای فکری مستقل و روشن بستگی ندارد. معیارهای مورد استفاده در ارزیابی و قضاوت در باب کفایت و ارزش دعاوی معرفتی، پیوسته در ضمن کنش متقابل اجتماعی شرکت کنندگان در اجماع علمی در معرض مذاکره و گفتگوی مجدد هستند (قانعی راد، ۱۳۸۵: ۱۲۸).

وی اعتقاد دارد که برای پیشبرد علوم اجتماعی در ایران در کنار تقویت زیر ساخت‌های انتقال و تولید دانش باید نرم افزارهای اجتماعی- فرهنگی آن را نیز فراهم کرد. اجتماعات علمی خواه به دلیل نیاز افراد به ارتباطات و خواه به دلیل عرضه ظرفیت لازم برای اجماع معرفتی، بستر واقعی تکوین، تولید و انتقال شناخت علمی هستند و نیروی اخلاقی و انرژی عاطفی موثر و لازم را برای بهبود و ارتقای فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی فراهم می‌کنند.

**علم و پژوهش، چالش میان جهان شمولی و محلی گزینی: جهان شمولی، بوم گرایی و محلی گزینی** فرایندهای غیر قابل انکار در دنیای پر تحول معرفتی، اجتماعی و فرهنگی جهان کنونی تلقی می‌گردند. مقولات فوق از هر منظر که مورد توجه قرار گیرند تاثیر آن‌ها در چگونگی ساختاریابی نظام معرفت و دانش بشری و ابعاد کارکردی آن‌ها بدیهی به فرض گرفته می‌شوند.

این موضوع هم در قلمرو دانش تجربی و هم در خصوص دانش انسانی و اجتماعی با تفاوت‌های اندک و خاص قابل تعقیب است. خاصیت همبسته امور عالم از یک سو و ساری و جاری بودن بسیاری از قواعد و هنجارهای مشترک و متشابه در عرصه دانایی از سوی دیگر سبب می‌گردد که نظام‌های دانش از رویکردی عام‌گرایانه و فرامرزی و از نوع بشری برخوردار گردند. (به استناد شواهد و مدارک متعدد ویژگی عام قواعد علمی تا کنون محل پذیرش بسیاری در تاریخ علم قرار داشته و دارد.) نظام‌های علمی و معرفتی بالذاته تمایل به فرار از چارچوب مرزهای ملی و قومی داشته‌اند تا بتوانند از این طریق دامنه تعمیم‌پذیری، مصداق‌یابی، اعتبار و سلامت راهکارهای خود را بهتر و عمیق‌تر مورد گسترش قرار دهند.

در دهه‌های اخیر نظریه جهان‌شمولی ساختار معرفت و دانش بشری با انگیزه‌های جدیدی مورد انکار و یا نقد پاره‌ای نحله‌های معرفت‌شناسی و نیز اندیشه‌ورزان و سیاست‌گذاران اجتماعی قرار گرفته است. البته محدودیت‌های مکانی و زمانی در تعمیم ساختار معرفت و نیز ناتوانی گزاره‌های علمی در جهت خروج از تعیین‌های نفسانی و محیطی موضوعی نیست که اخیراً مورد کشف قرار گرفته باشد. قرن‌ها پیش فلاسفه یونان به گونه‌های مختلف حصری و قسری بودن احکام معرفتی را در اشکال مختلف آن مورد بحث قرار داده‌اند. (و پس از آن فلاسفه مسلمان پیرو مکاتب مختلف با تناقض‌های موجود در ساختار معرفت در دو بعد جهان‌شمولی و محلی‌گزینی پرداخته‌اند.) به ویژه با ورود تاریخ به عصر روشنگری چالش‌های مستتر در سرشت قواعد و کنش علمی و معرفتی بار دیگر عرصه مباحث گسترده در بین نویسندگان، فلاسفه و جامعه‌شناسان علم و معرفت در غرب را موجب گردید (موسوی، ۱۳۸۹: ۱).

در دهه‌های اخیر به ویژه در آن دسته از جامعه‌هایی که در معرض اشکال آشکار و پنهان استعمار قرار داشته‌اند عواملی سبب گردیدند که چالش فراروی علم و معرفت از حوزه‌های درس و کتابت وارد عرصه‌های دیگر گردد که خود البته ضروری به نظر می‌رسد. از جمله می‌توان به حوزه‌هایی از مسائل توجه داشت که در آن ایجاد مصونیت‌های لازم فرهنگی در قبال استعمار پیچیده فرهنگی هدف واقعی تلقی می‌گردد. یعنی نوعی واکنش‌های ضد استعماری که به اقتضای مبارزه با فرایافته‌های معرفتی و فرهنگی غربی، صحت و استحکام گزاره‌های علم و معرفت کنونی را به گونه‌ای ساختارشکنانه مورد انکار قرار می‌دهد و تلاش دارد تا از ساخت دانش و معرفت در چارچوب مصالح و منافع بومی سخن به میان بیاورد. انکار اعتبار و ارزش واقعی علم در

خارج از مرزهای ملی و دعوت به فرآیند نوین تولید علم داخلی انگیزه متعالی در بسیج نیروها به منظور مقابله با کارکرد و نقش استعمار علمی تلقی می گردد. نهاد علم در یک تلقی ابزارانگاران به دستاویز تقلاهای روزانه در ستیز با عالم بیرون تبدیل می شود. دلایل متعددی ممکن است توجیه کننده رویکرد علم بومی در نظام بینشی فوق باشد. عدم کارایی بسیاری از نظریه ها و دانسته های سایرین در کشور، آمیختگی آشکار دانش و ارزش، استثمار منافع و مصالح دیگران بیگانه در قواعد علوم انسانی، نیاز به خودباوری علمی در جامعه، نیاز به استقلال علمی و موارد مشابه دیگر مواد درونی انگاره های نفی دانش جهان شمول را تشکیل می دهند. معرفت شناسان متأخر و نیز آن دسته از جامعه شناسان تاریخی و جامعه شناسان ساختار و سازمان علمی در دوران جدید به اهمیت و تاثیر گذاری تعیین های اجتماعی در تکوین و توسعه علم تاکید دارند. اما همه موضوع این نیست که بنیاد علم چگونه ایجاد و توسعه یافته است. بلکه سخن بر سر دامنه و قلمرو ساحت علم در یک چشم انداز عمومی و کلی و اعتبار و صحت گزاره های علمی است. این موضوع سرآغاز تردیدهای شکننده در خصوص منبع معرفت بشری و محدودیت ها و ناکامی های آن گردید (موسوی، ۱۳۸۹: ۲-۴).

باید افزود که تاریخ جدید شاهد ظهور انواعی دیگر از دیدگاه هایی است که هر یک به نحوی خاص ساخت و ماهیت علم را مورد بررسی قرار داده اند. به ویژه نظریه علم مشحون از گوناگونی قلمرو و منابع مختلف تولید علم بر حسب دریافت از واقعیت یا واقعیات در جهان هستی و اجتماعی است. نظریه علم نوین که ریشه در تحولات دستگاه فلسفی و تحلیلی فلاسفه دوران روشنگری در غرب دارد حاوی دو گانه اندیشگی در ارتباط با منبع دانش بشری است. از یک سو ساخت بیرونی و عینی با همه استواری و قابلیت های جبری محتوی دانش بشری را موجب می گردید و از سوی دیگر عامل انسانی با همه نقصان ها و ناتوانایی های خود به مدد عقلانیت جوهری و ابزاری و قدرت تاویلی خود در صدد شناخت از امور برمی آمد. (موسوی ۱۳۷۹: ۱-۵) موسوی انواع مختلف از کاربرد علوم در جامعه را به صورت یک دسته بندی کلی مورد بررسی قرار داده است و این گونه بیان می کند:

۱. کاربرد فنی: مراد استفاده از دانش به شیوه تجربی به منظور غلبه بر ناتوانایی های انسان در استفاده از طبیعت و مهار منابع و انرژی موجود در آن است.

بررسی جامعه‌شناختی موانع ساختاری و انسانی رشد پژوهش‌های اجتماعی..... ۲۱

۲. کاربرد اقتصادی: منظور استفاده سخاوتمندانه از علم با شناخت از منابع تولید و توسعه آن در جهت کاهش فقر و محرومیت اقتصادی انسانی و ایجاد رونق و رفاه مادی است.
۳. کاربرد اجتماعی: اهداف اجتماعی کاربرد علمی همانا بهبود شرایط زندگی اجتماعی، ایجاد محیط توانمند و سالم اجتماعی و در نهایت کاهش نابرابری اجتماعی، رشد عقلانیت محیطی، آزادی اجتماعی می‌باشند.
۴. کاربرد توسعه‌ای.
۵. کاربرد اجتماعی و سیاسی و ایدئولوژیکی (موسوی، ۱۳۷۹: ۲۰).

«هررا» که به بررسی روابط موسسات علمی در کشورهای توسعه نیافته و ساختار اقتصادی و اجتماعی (و به ویژه سیاسی) محاط بر آن می‌پردازد و مورد مثال او کشورهای آمریکای لاتین است، دو نوع خط مشی را مورد شناسایی قرار می‌دهد: خط مشی صریح و خط مشی ضمنی. در خط مشی صریح حکومت‌های پیشرو و نوگرا علم را در کشورهای آمریکای لاتین برای درمان مشکلات مادی توسعه نیافتگی معرفی می‌نمایند در حالیکه هیچ نوع تغییر اجتماعی و معرفتی را توصیه نمی‌کنند. (در خط مشی ضمنی نوعی خدمت‌رسانی در علم به سود قدرت حاکم درست‌نخبگان است) (Herrera 1972: 12-37). در دهه‌های نخستین قرن حاضر روشنفکران و نویسندگان اجتماعی به گونه‌ای غیر مستقیم به مدد فرآیند نظری ساختار گرا در صدد تبیین تاریخی و فرهنگی عدم توسعه یافتگی بطور عام و در ذیل آن عدم رشد علم در ایران پرداخته‌اند. در دوران رویارویی نخستین با غرب توسعه یافته نظریه ناتوانی تاریخی و فرهنگی جامعه ایران در رسیدن به موفقیت علمی برابر با کشورهای صنعتی اروپا مورد بحث پاره‌ای از اندیشمندان داخلی قرار داشته است. طی دهه‌های متناوب از آن تاریخ تا کنون ما شاهد اشکال مختلف از نظریه‌های اقتصادی (به تاسی از دیدگاه مارکسیسم)، نظریه تفاوت ذاتی ساختار اجتماعی (در شکل غرب باوری)، ضرورت استقلال از مبادی توسعه‌ای نوع غربی (در قالب رویکرد غربزدگی)، بوم‌گرایی اسلامی و نظریه بازگشت به نظام اعتقادی و دین‌گرایانه (نظریه توسعه دینی)، دیدگاه گسست و شکاف فرهنگی و نظریه امتناع تفکر فلسفی و برخی دیگر از فرآیندهای نظری ساختار گرا و یا نزدیک بدان بوده‌ایم. بدون ورود به محتوی هر یک از رویکردهای خاص تحلیل توسعه نیافتگی علم در ایران می‌توان به نتایج وسیع عرصه‌های اندیشیده شده در این خصوص توجه داشت که

خود مواد پر ارزشی را برای باز تولید نظریه توسعه علم در بستر اجتماع ایران فراهم می کند (موسوی، ۱۳۷۹: ۲۰-۲۱).

جهان گرایی علم و معرفت: از منظر جامعه شناسی معرفت و علم نظام معرفت و علم دارای جنبه هایی از قواعد و اصول عامی است که می توان آنرا جهانی تلقی نمود. این اصول همانا تشابه عملکردی سازمان دانش، همگانی بودن نتایج و اشتراک افراد در استفاده از روش ها و شیوه های معرفت است. به عبارتی خصلت های عام گرایی و مالکیت جمعی و همگانی بودن و آزمون پذیری یافته های علمی ویژگی های مشترک دانش بشری است که خصلت عام و جهانی دارد. به تعبیر مرتن، تکیه گاه تحقیق عملی هنجار بی طرفی، همانا حسابرسی نهایی دانشمندان در کار همکارانشان است. منظور مرتن از این اصل انجام پژوهش های علمی در محیط های آزاد و فارغ از علائق فردی، گروهی، نژادی و.. است. مهار کردن گرایش های شخصی به معنی اعمال کنترل نهادی بر انگیزه های کار علمی است. پاداش واقعی کشف دانش جدید و تقسیم این یافته با دیگران بوجود آورنده پاداش های دیگری است که مهمترین آن درک و آگاهی دیگران نسبت به کشف جدید است. به گفته مولکی: دانشمندان نباید چندان به دنبال مقبولیت یا در واقع هر نوع پاداش دیگر جز رضایت خاطر از افزودن به منابع معرفت معتبر باشند (مولکی ۱۳۷۶: ۲۳).

دلالت های جهانگرایی علم و معرفت بشری: روشنگری، عقلانیت نوین، توسعه پوزیتیویسم، ایدئولوژی های اجتماعی و سیاسی، توسعه فنی و سرمایه داری، توسعه فناوری اطلاعاتی، دهکده جهانی.

بوم گرایی علم: همراه با افزایش نفوذ استعمار فرهنگی و اجتماعی پاره ای از کشورهای اروپایی در آفریقا، آمریکای لاتین و آسیا و تشدید مشکلات و مسائل داخلی در مناطق تحت استعمار نخستین علائم بوم گرایی در این کشورها آغاز گردید. بوم گرایی آغازین عبارت بود از فرآیند بازگشت به خویشن تاریخی و فرهنگی به منظور مقابله با اشکال برتری جویی های فرهنگی و اجتماعی. جنبش اجتماعی بوم گرایی تحت عناوین و شعائر جدید اجتماعی و معرفت در صدد بر آمد تا با دفاع از هویت فرهنگی، ملی و اجتماعی مانع از افزایش بیشتر فروپاشی شخصیت افراد در مناطق استعمار زده گردد. اما مرحله دوم جنبش بوم گرایی به تحولات دوران جدید و ظهور رویکردهای فراجدد باز می گردد. نقد عقلانیت مدرن غربی، انکار هر نوع حقیقت پایدار در

بررسی جامعه‌شناختی موانع ساختاری و انسانی رشد پژوهش‌های اجتماعی.....۲۳

جهان، ایجاد تردید در قبال راستی و اعتبار دانش مدرن، نسبیّت گرای فلسفی و باور به تکثر اندیشه‌ها و فرهنگ‌ها زمینه‌رویش بوم‌گرایی جدید را فراهم کرده است.

دلالت‌های بومی‌گرایی علم و معرفت بشری: جنبش محلی‌گرایی، جنبش زیست‌محیطی، ظهور اشکال سنت‌گرایی، استعمار زدایی، جنبش دینی با فرآیند اسلامی کردن علوم، رویکرد استعمار زدایی علوم، رویکرد مطالعات منطقه‌ای (موسوی، ۱۳۸۹: ۲۲-۳۲).

**توسعه اقتصادی\_اجتماعی و تحقیقات اجتماعی:** سیف‌اللهی همواره به انسان به عنوان موجودی زیست‌مند و نیازمند می‌نگرد که با شناخت محیط اجتماعی و زیستی خود توانسته است نیازهای زیستی، روانی و اجتماعی خود را پاسخ گفته، خود و جامعه‌اش را توسعه و تکامل بخشد. تحقیق و شناخت دقیق و عمیق از محیط اجتماعی و زیستی نیز مستلزم دارا بودن ابزارهای پیچیده فنی، علمی و زمینه‌مساعداً اقتصادی و اجتماعی می‌باشد. در جهان امروز نیز برخی جوامع به چنین زمینه‌مطلوبی دست یافته‌اند و برخی دیگر در تلاش و حسرت دستیابی به آن هستند. امروزه با توجه به واقعیت مزبور و روند گسترش و پیچیده‌تر شدن جوامع از نقطه نظر توسعه اقتصادی و اجتماعی، جوامع را می‌توان به دو دسته تقسیم بندی نمود:

۱. جوامعی که در سطح بالاتری از توسعه اجتماعی و اقتصادی رسیده‌اند، آگاهی‌های علمی و فنی لازم را کسب کرده‌اند.

۲. جوامعی که به سطح پایین‌تری از توسعه اجتماعی و اقتصادی قرار دارند و آگاهی‌های عمومی نسبت به عاملیت انسان در فرآیند توسعه شکل مشخصی به خود نگرفته و پایگاه تحقیقات اجتماعی در برنامه‌ریزی و پژوهش‌های ملی آن‌ها از عمق و محتوای چندانی برخوردار نیست.

گروه نخست از کشورها به دلیل ضرورت به انجام رساندن هدف‌های توسعه اجتماعی و اقتصادی به طور جدی به تحقیقات اجتماعی روی می‌آورند، با این هدف که تحقیقات را از اصلی‌ترین عوامل و ارکان توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کشور می‌دانند. بنابراین آگاهانه، سنجیده‌تر، دقیق‌تر، با خطای کمتر و کارایی بیشتر به برنامه‌ریزی‌ها و مدیریت اجتماعی می‌پردازند. اما در گروه دوم از جوامع در اثر بی‌توجهی و احساس بی‌نیازی به تحقیقات اجتماعی، برنامه‌ریزی مبتنی بر تجربیات شخصی به صورت نظریه‌ها و الگوهای توسعه القا می‌شود و صورت می‌گیرد. برآیند چنین روندی شکست یا عدم موفقیت کامل برنامه‌های توسعه اجتماعی و اقتصادی، افزایش تنش‌های اجتماعی، بی‌اعتقادی به علم و تکنولوژی می‌باشد (سیف‌اللهی، ۱۳۷۴: ۱۸۸-۱۹۰).

کشور ما تا کنون در گروه دوم از کشورهای مزبور قرار داشته است. علت این واقعیت را باید در بستر حیات اجتماعی و روند توسعه اجتماعی و اقتصادی، یعنی در ماهیت و کارکرد سیستم اجتماعی ایران جست. در بررسی هایی که وی در این زمینه انجام داده است به این نتایج رسید که به طور کلی موانع و مشکلات تحقیقات اجتماعی و عدم امکان استفاده شایسته از آن در برنامه های اجتماعی و اقتصادی در ایران را می توان از سه بعد مورد بررسی قرار داد. اول از بعد اجتماعی، فرهنگی، روانی و تاریخی. دوم از بعد علمی. و در نهایت از بعد سازمانی، اداری و انسانی (سیف اللهی، ۱۳۷۲: ۱۰۶).

وی در بیان مهم ترین عوامل عدم توسعه پژوهشی در ایران از اولین عوامل بیان شده یعنی عوامل اجتماعی، فرهنگی، روانی و تاریخی به عنوان یکی از مهم ترین موانع توسعه تحقیقات در ایران یاد می کند. از این منظر بی توجهی به تحقیقات و عدم استفاده از نتایج آنها را پدیده ای نهادی و ساختاری می داند، به صورتی که فعالیت های فردی و جمعی در هر سطحی، بر بی نیازی به تحقیق و رهاوردهای آن استوار است. علاوه بر این بی توجهی به تحقیقات در ایران را یک امر تاریخی، روانی و فرهنگی نیز می داند و روحیه فرد محوری، تنها کاری و عدم اعتقاد افراد عامی و حتی برخی از متخصصان به ضرورت تحقیق و نتایج آن را به عنوان مشخصات این روحیه بر می شمرد. از آنجا که روحیه تحقیق در ایران به صورت نهادی در نیامده در نتیجه رفتار پژوهشگرانه نیز به درستی شکل نگرفته و فضای ذهنی محققان و صاحبان اندیشه را تحت تاثیر قرار داده است. وی از جزوه گیری و جزوه نویسی، استفاده مکرر از تحقیقات دیگران و بکارگیری نتایج خارجی ها، استفاده از تجربیات شخصی در برنامه ریزی های مملکتی را مهم ترین مصادیق مشکلات در جامعه علمی کشور بیان می کند. بعد نهایی موانع توسعه تحقیقات به نظر ملموس تر می رسد که وجود مقررات دست و پا گیر و بازدارنده اداری و دانشگاهی، کمبود اعتبارات تحقیقات در کشور از آن جمله اند. وجود روابط شخصی و سلیقه ای در انجام پژوهش، پیش داوری و تعیین نتایج تحقیقات قبل از اجرای آن، استفاده از افراد غیر متخصص و بی تجربه در راس واحدها و سازمان های تحقیقاتی و علمی و دانشگاهی از عواملی هستند که بیان گر وجود مشکلات سازمانی در جامعه علمی هستند. مکانیزم های بنیادین جهت گذر از بحران های موجود اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی علاوه بر بستر حیات اجتماعی عبارتند از تکنولوژی و تحقیق و نهادی و بومی ساختن آنها از ضروریات جامعه ماست. پیش نیاز نهادی شدن تکنولوژی در جامعه نهادی شدن و گسترش

بررسی جامعه‌شناختی موانع ساختاری و انسانی رشد پژوهش‌های اجتماعی..... ۲۵

تحقیقات اجتماعی و آگاهی به این واقعیت است که توسعه اجتماعی و اقتصادی بدون شناخت جامع از اجتماع و بنیادهای ساختاری آن امکان ندارد (همان : ۱۱۰).

خلاصه آراء مطرح شده در جدول شماره ۱ قابل مشاهده است.

جدول شماره (۱) آراء و دیدگاه‌های نظری در جامعه‌شناسی علم و پژوهش

حوزه مطالعاتی	رویکرد نظری	نظریه پرداز	آراء و نظریات
نظریه پردازان خارجی	کارکرد گرایی	مرتون	چهار الزام نهادی در علم: ۱. جهانی بودن ۲. اشتراک ۳. شک سازمان یافته ۴. بی تفاوتی عاطفی
	ساختار بندی	گیدنز	قلمرو پژوهش اساسی علوم اجتماعی نه تجربه کنش گر فردی و نه وجود نوعی کلیت اجتماعی، بلکه کردارهای اجتماعی سامان یافته در مکان و زمان است.
	سرمایه فرهنگی	بورديو	علاوه بر عوامل اقتصادی، عادت واره های فرهنگی و خصالت های به ارث برده شده از خانواده دربردارنده منابعی هستند که نقش بسیار مهمی در موفقیت ها ایفا می کنند.
نظریه پردازان داخلی	مبادله	هومنز	قضیه موفقیت: هر عملی از یک شخص اگر که مورد پاداش قرار گیرد، احتمال تکرار آن عمل به وسیله همان شخص افزایش می یابد. قضیه ارزش: هر چه نتیجه یک کنش برای شخص با ارزشتر باشد، احتمال بیشتری دارد که همان کنش را دوباره انجام دهد.
	تعاملات و ارتباطات در جامعه علمی	قائمی راد	فناوری های اطلاعات و ارتباطات با گسترش مناسبات اجتماعی غیر مستقیم، نوع خاصی از تعاملات به نام اجتماع علمی مجازی را ایجاد کرده است و گفتگو و مبادلات علمی را به فضای مجازی گشاده است. اعضای اجتماعات مجازی جایگاه و محل یکسانی ندارند، ولی از علایق مشترکی برخوردارند. این اجتماعات تعامل هم زمان، افراد را بر مبنای اشتراک اهداف و علایق و نه نزدیکی اتفاقی مکانی به همدیگر ارتباط می دهند.
	جهان شمولی و محلی گرایی علم و پژوهش	موسوی	دلالت های جهانگرایی علم و معرفت بشری: روشنگری، عقلانیت نوین، توسعه پوزیتیویسم، ایدئولوژی های اجتماعی و سیاسی، توسعه فنی و سرمایه داری، توسعه فناوری اطلاعاتی، دهکده جهانی. دلالت های بومی گرایی علم و معرفت بشری: جنبش محلی گرایی، جنبش های زیست محیطی، ظهور اشکال سنت گرایی، استعمار زدایی، جنبش دینی با فرآیند اسلامی کردن علوم، رویکرد استعمار زدایی علوم، رویکرد مطالعات منطقه ای.
	توسعه اقتصادی_اجتماعی و رشد علم	سیف اللهی	به طور کلی موانع و مشکلات تحقیقات اجتماعی و عدم امکان استفاده شایسته از آن در برنامه های اجتماعی و اقتصادی در ایران را می توان از سه بعد مورد بررسی قرار داد. اول از بعد اجتماعی، فرهنگی، روانی و تاریخی. دوم از بعد علمی. و در نهایت از بعد سازمانی، اداری و انسانی.

### فرضیه های پژوهش

#### الف- موانع ساختاری

- به نظری می رسد هر قدر میزان دسترسی به اطلاعات علمی کمتر باشد، رشد پژوهش های اجتماعی کاربردی ضعیف تر است.
- به نظری می رسد هر قدر موقعیت سازمانی مراکز پژوهشی توسعه یافته تر باشد، رشد پژوهش های اجتماعی کاربردی بیشتر است.
- به نظر می رسد هر قدر تخصیص منابع اقتصادی در بخش پژوهش های اجتماعی کاربردی کمتر باشد، رشد پژوهش های اجتماعی کاربردی کمتر است.
- به نظر می رسد هر قدر ارتباط با شبکه اجتماعی ضعیف تر باشد، رشد تحقیقات اجتماعی کاربردی ضعیف تر است.
- به نظر می رسد هر قدر میزان تعاملات اجتماعی بیشتر باشد، رشد پژوهش های اجتماعی کاربردی بیشتر است.
- به نظر می رسد هر قدر استفاده از سرمایه فرهنگی بیشتر باشد، رشد پژوهش های اجتماعی کاربردی بیشتر است.

#### ب- موانع انسانی

- به نظر می رسد هر قدر گرایش به خاص گرایی در فعالیت های پژوهشی بیشتر باشد رشد پژوهش های اجتماعی کاربردی ضعیف تر است.
- به نظر می رسد هر قدر هزینه های اجتماعی - فرهنگی در انجام پژوهش ها بیشتر باشد رشد پژوهش های اجتماعی کاربردی ضعیف تر است.
- به نظر می رسد هر قدر میزان شک سازمان یافته در مسائل و پدیده های مورد پژوهش کمتر باشد رشد تحقیقات اجتماعی کاربردی ضعیف تر است.
- به نظر می رسد هر قدر میزان ممنوعیت مسأله شناسی پیرامون مسائل و پدیده های محیطی بیشتر باشد رشد تحقیقات اجتماعی کاربردی ضعیف تر است.

### روش تحقیق

از آنجائیکه روش تحقیق همواره تابع موضوع تحقیق می باشد ، با توجه به موضوع تحقیق حاضر از دو روش اصلی استفاده شده است: ۱. روش اسنادی ۲. روش پیمایشی

بررسی جامعه شناختی موانع ساختاری و انسانی رشد پژوهش های اجتماعی.....۲۷

جامعه آماری و حجم نمونه: با توجه به اینکه در تعریف های عام شمول یونسکو، پژوهشگر به فردی گفته می شود که به طور تمام وقت به تحقیق اشتغال داشته باشد و از نظر اقتصادی نیز مهمترین فعالیت و منبع درآمدی وی پژوهش باشد و همچنین به طور معمول افراد دارای مدرک تحصیلی لیسانس، فوق لیسانس و دکترای حرفه ای در زمره پژوهشگران به حساب می آیند، (Statistical Yearbook, Unesco 1998:116). در بررسی حاضر نیز جامعه آماری دارای ویژگی های ذکر شده می باشد. پژوهشگران مورد بررسی در جامعه تحقیق حاضر فقط شامل آن دسته از پژوهشگران شاغل در مراکز پژوهشی دولتی هستند که در شهر تهران به فعالیت پژوهشی می پردازند از میان مراکز پژوهشی دولتی شناسایی شده نیز آن دسته از مراکز پژوهشی مدنظر قرار گرفتند که دارای حداقل بیست پژوهشگر تمام وقت باشند که در یکی از شاخه های علوم اجتماعی (جامعه شناسی، جمعیت شناسی، مردم شناسی، مطالعات زنان و...) مشغول به فعالیت علمی و پژوهشی باشند. در بررسی های انجام شده ۴۸ مرکز که در حوزه های اجتماعی پژوهش و مطالعه داشته باشند در شهر تهران شناسایی شدند که از این تعداد ۱۵ مرکز دارای مشخصات ذکر شده بودند. که تعداد ۸۰۰ پژوهشگر با ویژگی های مورد نظر در این موسسات و سازمان های پژوهشی مشغول به فعالیت هستند.

حجم نمونه در این تحقیق ۲۶۰ نفر می باشد، از فرمول کوکران برای تعیین حجم نمونه استفاده شده است.

شیوه نمونه گیری در این پژوهش نمونه گیری تصادفی طبقه بندی<sup>۱۳</sup> می باشد. از این نمونه گیری زمانی استفاده می شود که در یک جامعه آماری تفکیک جمعیت به صورت بسیار نا همگن و پراکنده باشد و به ناچار جامعه آماری را باید تقسیم بندی نمود. بدین ترتیب با توجه به جامعه آماری مورد نظر در این پژوهش مناسب ترین روش برای تعیین نمونه شیوه طبقه بندی شده می باشد. بر اساس این روش جامعه آماری دسته بندی شده و با توجه به نسبت بین جامعه آماری و جمعیت نمونه که ۳ به ۱ می باشد، تعداد جمعیت نمونه در هر دسته مشخص می شود، سپس پرسشنامه ها به صورت تصادفی بین نمونه ها توزیع می گردد.

### دستاوردهای تحقیق

جدول شماره (۲) میزان همبستگی و معناداری میان متغیر وابسته (رشد پژوهش های اجتماعی کاربردی) و متغیرهای مستقل

متغیر	آزمون	ضریب همبستگی	سطح معناداری
میزان دسترسی به اطلاعات علمی	اسپیرمن	۰/۷۸۸	۰/۰۰۷
موقعیت سازمانی مراکز پژوهشی	اسپیرمن	۰/۷۴۷	۰/۰۰۱
تخصیص منابع اقتصادی	اسپیرمن	۰/۷۸۸	۰/۲۴۸
ارتباط با شبکه اجتماعی	اسپیرمن	۰/۷۱۱	۰/۰۰۴
تعاملات اجتماعی	اسپیرمن	۰/۷۱۲	۰/۰۰۰
سرمایه فرهنگی	اسپیرمن	۰/۷۳۶	۰/۰۱۸
خاص گرایی	اسپیرمن	۰/۷۷۸	۰/۰۰۰
هزینه های اجتماعی_ فرهنگی	اسپیرمن	۰/۷۲۴	۰/۰۷۵
شک سازمان یافته	اسپیرمن	۰/۷۸۸	۰/۰۳۰
محدودیت مساله شناسی	اسپیرمن	۰/۸۷۹	۰/۰۰۰

تجزیه و تحلیل یافته های پژوهش نشان می دهد که بین رشد پژوهش های اجتماعی کاربردی و میزان دسترسی به اطلاعات با توجه به میزان همبستگی ۰/۷۸۸ رابطه مثبت، قوی وجود دارد و با توجه به سطح معناداری ۰/۰۰۷ این رابطه همبستگی معنادار می باشد. در نتیجه هر قدر میزان دسترسی به اطلاعات علمی کم تر باشد، رشد پژوهش های اجتماعی کاربردی نیز ضعیف تر است. به نظر می رسد نحوه ارائه اطلاعات پژوهشی و آزادی انتشارات اطلاعات در بین سازمان های پژوهشی نامناسب است. و پنهانکاری و ضعف ساختارهای آزادی بیان و نشر افکار در سطح ساختارهای کلان جامعه وجود دارد. در بین رشد پژوهش های اجتماعی کاربردی و موقعیت سازمانی مراکز پژوهشی با همبستگی ۰/۷۴۷ رابطه قوی، مستقیم و با سطح معناداری ۰/۰۰۱ وجود دارد. و فرضیه تحقیق تایید می شود، بنابراین هر قدر موقعیت سازمانی مراکز پژوهشی توسعه یافته تر باشد، رشد پژوهش های اجتماعی نیز بیشتر است. به نظر می رسد میزان شایسته سالاری در میان سازمان های پژوهشی اندک است و توجه لازم به امر تخصص گرایی در جامعه علمی وجود ندارد.

تجزیه و تحلیل یافته های پژوهش نشان می دهد که با توجه به همبستگی ۰/۷۸۸ بین میزان تخصیص منابع اقتصادی در بخش پژوهش های اجتماعی و رشد پژوهش های اجتماعی کاربردی رابطه مستقیم و مثبتی بر قرار است اما از آنجاییکه سطح معناداری همبستگی دو متغیر ۰/۲۴۸ می باشد، در نتیجه این ارتباط معنا دار نبوده و فرض تحقیق رد می شود.

بررسی جامعه شناختی موانع ساختاری و انسانی رشد پژوهش های اجتماعی..... ۲۹

یافته های پژوهش نشان می دهد که بین رشد پژوهش های اجتماعی کاربردی و ارتباط با شبکه اجتماعی با همبستگی  $0/711$  و معناداری  $0/004$  رابطه قوی و معناداری وجود دارد. هر قدر ارتباط با شبکه اجتماعی ضعیف تر باشد، رشد تحقیقات اجتماعی کار بردی ضعیف تر است. همچنین میزان تعاملات اجتماعی با میزان همبستگی  $0/712$  و در سطح معناداری  $0/00$  رابطه قوی، مثبت و معناداری با رشد پژوهش های اجتماعی کاربردی دارد. در نتیجه هر قدر میزان تعاملات اجتماعی بیشتر باشد، رشد پژوهش های اجتماعی کاربردی نیز بیشتر است. بین رشد پژوهش های اجتماعی کاربردی و سرمایه فرهنگی با همبستگی  $0/736$  در سطح معناداری  $0/018$  ارتباط قوی، مستقیم و معناداری وجود دارد. بنابر این هر قدر استفاده از سرمایه فرهنگی بیشتر باشد، رشد پژوهش های اجتماعی کاربردی بیشتر است. (هرچه پژوهشگران میزان بیشتری بهروری از مهارت ها و قابلیت های افراد در زمینه های گوناگون علمی افزایش یابد به رشد پژوهش های اجتماعی کمک می کند.) بین رشد پژوهش های اجتماعی کاربردی و خاص گرایی با توجه به میزان همبستگی دو متغیر  $0/778$  که در سطح معناداری  $0/00$  قرار دارد، رابطه قوی و معنادار می باشد. هر قدر گرایش به خاص گرایی در فعالیت های پژوهشی بیشتر باشد، رشد پژوهش های اجتماعی کاربردی ضعیف تر است.

تجزیه و تحلیل یافته های پژوهش نشان می دهد که بین رشد پژوهش های اجتماعی کاربردی و هزینه های اجتماعی - فرهنگی در انجام پژوهش ها با توجه به همبستگی  $0/724$  رابطه مستقیم و مثبتی برقرار است اما با توجه به سطح معناداری  $0/075$ ، ارتباط میان دو متغیر معنادار تشخیص داده نشده، بنابراین فرض تحقیق رد می شود.

یافته های پژوهش نشان می دهد که بین رشد پژوهش های اجتماعی کاربردی و میزان شک سازمان یافته با میزان همبستگی  $0/788$  و در سطح معناداری  $0/030$  ارتباط قوی، مثبت و معناداری وجود دارد. هر قدر میزان شک سازمان یافته در مسائل و پدیده های مورد پژوهش کمتر، رشد تحقیقات اجتماعی کاربردی ضعیف تر است. به نظر می رسد امکان نقد و بررسی در عرصه های غیر قابل شک نظام پژوهشی و علمی کشور ما وجود ندارد و میزان نقد پذیری و انتقادگری در فضای علمی ضعیف است.

و نیز تجزیه و تحلیل یافته های این پژوهش نشان می دهد که بین رشد پژوهش های اجتماعی کاربردی و میزان ممنوعیت مسأله شناسی با همبستگی  $0/879$  ارتباط قوی،

مثبت و مستقیم و در سطح معناداری ۰/۰۰۰ رابطه معناداری وجود دارد. هر قدر میزان ممنوعیت مسأله شناسی پیرامون مسائل و پدیده‌های محیطی بیشتر باشد، رشد تحقیقات اجتماعی کاربردی ضعیف تر است. بر اساس بررسی های انجام شده، به نظر می رسد انتشار یافته ها و نتایج پژوهش های اجتماعی با محدودیت های بسیاری روبروست، و امکان تحقیق و بررسی در برخی موضوعاتی که در جامعه به نحوی حساسیت برانگیز شمرده می شوند کم است.

### تحلیل رگرسیون:

جدول شماره(۳) نتایج تحلیل رگرسیون عوامل موثر بر رشد پژوهش های اجتماعی کاربردی

متغیرهای اثر گذار	ضریب تعیین	ضریب همبستگی	سطح معناداری	بتا (Beta)
دسترسی به اطلاعات	۰/۷۴۹	۰/۰۰۲	۰/۰۰۰	۰/۰۴۹
موقعیت سازمانی مراکز پژوهشی	۱/۹۳	۰/۰۱۴	۰/۰۰۰	۰/۱۲۰
تخصیص منابع اقتصادی	- ۲/۵۷۱	۰/۰۲۵	۰/۱۱	۰/۱۵۸
ارتباط با شبکه اجتماعی	۱/۸۴	۰/۰۱۳	۰/۰۰۰	۰/۱۱۴
تعاملات اجتماعی	۵/۱۳۹	۰/۰۹۳	۰/۰۰۰	۰/۳۰۵
سرمایه فرهنگی	۲/۸۹۷	۰/۰۳۲	۰/۰۰۰	۰/۱۷۸
خاص گرایی	۲/۵۷۹	۰/۰۲۵	۰/۰۰۰	۰/۱۵۶
هزینه های اجتماعی... فرهنگی	-۱/۲۴۱	۰/۰۰۲	۰/۲۱۶	-۰/۰۷۷
شک سازمان یافته	۱/۶۹۹	۰/۰۱۱	۰/۰۰۰	۰/۱۰۵
محدودیت مسأله شناسی	۳/۶۷۱	۰/۰۵۰	۰/۰۰۰	۰/۲۲۳

از تحلیل رگرسیون جهت تعیین نمودن اثر گذارترین متغیر مستقل بر متغیر وابسته استفاده می شود. همانطور که در جدول شماره ۳ نیز نشان داده شده است، میزان اثر گذاری هر یک از متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته (رشد پژوهش های اجتماعی کاربردی) و نیز میزان معنا داری اشان نمایان است، با توجه به آزمون آماری انجام گرفته و اطلاعات استخراج شده، نتایج تحلیل رگرسیون بدین قرار است:

- تعاملات اجتماعی متغیری است که وارد معادله شده و با توجه به میزان  $t(5/139)$  و سطح معناداری ۰/۰۰۰ تاثیر مستقیم در متغیر وابسته (رشد پژوهش های اجتماعی کاربردی) دارد.

بررسی جامعه شناختی موانع ساختاری و انسانی رشد پژوهش های اجتماعی..... ۳۱

- محدودیت مساله شناسی متغیر دیگری است که وارد معادله شده و با توجه به میزان  $t$  (۳/۶۷۱) و سطح معناداری ۰/۰۰۰ تاثیر مستقیم در متغیر وابسته (رشد پژوهش های اجتماعی کاربردی) دارد.

بنابراین دو متغیر تعاملات اجتماعی و محدودیت مساله شناسی بیشترین اثرگذاری را بر رشد پژوهش های اجتماعی کاربردی دارند.

#### جمع بندی و نتیجه گیری:

در بررسی حاضر نیز نتایج کسب شده با توجه سوالات اصلی تحقیق و پاسخ های فرضی مطرح شده بدین قرار است:

- به نظر می رسد نحوه ارائه اطلاعات پژوهشی و آزادی انتشارات اطلاعات در بین سازمان های پژوهشی نامناسب است. پنهانکاری و ضعف ساختارهای آزادی بیان و نشر افکار در سطح ساختارهای کلان جامعه وجود دارد. و پوشش لازم و کافی در زمینه تبادل اطلاعات میان پژوهشگران و سازمان های پژوهشی برقرار نیست.

- به نظر می رسد میزان شایسته سالاری در میان سازمان های پژوهشی اندک است و توجه لازم به امر تخصص گرایی در جامعه علمی وجود ندارد. نتایج این بررسی نشان می دهد که میزانی از رابطه مندی به جای ضابطه مندی در ساختارهای رسمی جامعه وجود دارد. هم چنین نزدیکی به منابع قدرت نقش مهمی در پذیرش پروژه های پژوهشی دارد.

- به نظر می رسد با ایجاد بستری که ارتباطات سازمان ها و نهادهای پژوهشی در آن راحت تر امکان پذیر باشد، ارتباطات اجتماعی میان پژوهشگران از طریق همکاری، مشورت و ارزیابی یکدیگر با ایجاد فضای تعامل و رقابت به رشد پژوهش های اجتماعی کمک می کند.

- برخورداری و بهروری بیشتر پژوهشگران از مهارت ها و قابلیت های گوناگون علمی و فنی، آشنایی با ابزار نوین پژوهشی به رشد پژوهش های اجتماعی کاربردی می انجامد.

- یافته های پژوهش نشان می دهد که پژوهشگران در انتخاب همکاران خود دارای تمایلات خاص گرایانه بوده و ترجیح می دهند با افرادی همکاری داشته باشند که

ارتباطات شخصی بیشتری با آنها دارند. همچنین در انتخاب موضوعات پژوهشی به مسائل فردی و خرد اهمیت بیشتری می دهند تا مسائل کلان و ملی.

- به نظر می رسد امکان نقد و بررسی در عرصه های غیرقابل شک نظام پژوهشی و علمی کشور ما وجود ندارد. میزان نقد پذیری و انتقادگری در فضای علمی ضعیف است، این مسئله ناشی از عدم وجود روحیه تشکیک علمی و قضاوت بیطرفانه در ساختارهای کلان ذهنی جامعه است.

- بر اساس بررسی های انجام شده، به نظر می رسد انتشار یافته ها و نتایج پژوهش های اجتماعی با محدودیت های بسیاری روبروست، و امکان تحقیق و بررسی در موضوعاتی که در جامعه به نحوی مقدس شمرده می شوند کم است.

#### راهکارها و پیشنهادها

با توجه به اینکه نهایت تلاش در هر تحقیق و پژوهشی رسیدن به راهکارهای مناسب نظری و عملی برای حل مسائل، مشکلات و معضلات موجود می باشد، این هدف تنها در سایه شناسایی بهتر و دقیق تر پدیده ها و بررسی و شناخت ابعاد گوناگون آنها به دست خواهد آمد. در این پژوهش نیز پس از گذراندن مراحل شناختی مساله و تجزیه و تحلیل آن، و با توجه به یافته ها و نتایج کسب شده، پیشنهادات و راهکارهایی حاصل آمد که در سطور زیر مطرح و ارائه می شوند:

۱. آزاد سازی و سهل الوصول نمودن اطلاعات برای پژوهشگران، با ایجاد بانک های اطلاعاتی و اتصال تمامی سازمان ها و دستگاههای تولید کننده اطلاعات به یک شبکه فراگیر انتشاراتی و الکترونیکی.

۲. نظام گزینش مدیران و پژوهشگران می بایست بر پایه شایسته سالاری، تخصص، تجربه و هم چنین توجه به سوابق علمی باشد. اصلاح نظام جذب نیروی انسانی بر پایه آزمون های تخصصی و پرهیز از رابطه مداری برای رسیدن به این هدف امری لازم به نظر می رسد. توصیه می شود در انتخاب پژوهشگران از ایجاد حلقه هایی مانند روابط نسبی، قومی، زبانی و مذهبی در انجام پژوهش های اجتماعی کاربردی جلوگیری شود.

۳. تقویت شبکه ارتباطات اجتماعی از طریق توسعه انجمن های علمی و کارگروه های آموزشی، برگزاری سمینارهای و گرد همایی های محلی و منطقه ای و ملی. پیش بینی یک نظام پاداش دهی

بررسی جامعه‌شناختی موانع ساختاری و انسانی رشد پژوهش‌های اجتماعی.....۳۳

مبتنی بر فعالیت گروهی و جمعی در حوزه‌های علمی و پژوهشی. ایجاد ارتباط نزدیک و مستمر بین محققان و مجریان از طریق برگزاری جلسات هم‌اندیشی.

۴. کمک به توسعه انجمن‌های علمی در رشته‌ها و بخش‌های مختلف اجتماعی، ایجاد امکانات تشویقی جهت شرکت در همایش‌های ملی و بین‌المللی برای پژوهشگران اجتماعی. ایجاد فرصت‌های آموزشی گوناگون در جهت به‌روز رسانی دانسته‌های پژوهشگران و آشنایی با ابزار نوین آموزشی و پژوهشی.

۵. با ترویج کنجکاوی و بیطرفی در شناخت مسائل اجتماعی و با روش‌های تشویقی مناسب از طرف مسئولین و برنامه‌ریزان امر پژوهش در جامعه علمی و پژوهشی کشور فرهنگ پرسشگری و شکاکیت در میان پژوهشگران اجتماعی ایجاد شود. امکان عملی نقدپذیری با اصلاح نظام آموزشی و پژوهشی در جهت پذیرش انتقادات در کلیه امور و سطوح.

۶. با ایجاد و تضمین فضای امن و با ثبات سیاسی و اجتماعی برای پژوهشگران، امکان نقد و پرسشگری پیرامون مسائل حساسیت‌برانگیز در جامعه به وجود آید، و بستر مناسب جهت انتشار یافته‌ها و نتایج پژوهش‌های اجتماعی که هم‌سو با ارزش‌های جامعه نیستند فراهم شود.

۷. برای رفع موانع ساختاری پیشنهاد می‌شود دوره‌های آموزشی لازم در زمینه استفاده از نتایج تحقیقات، کاهش کنترل‌های اداری و ساختار دیوان سالارانه تا شرایط لازم جهت کاربرد نتایج پژوهش‌های اجتماعی فراهم آید.

۸. در زمینه رفع موانع انسانی می‌توان فرهنگ پژوهشی و نگرش تحقیقاتی در جامعه به ویژه در میان مسئولان و مدیران تصمیم‌گیرنده در دستگاه‌های اجرایی کشور را ترویج داد، زیرا توسعه این نگرش سبب اهمیت دادن بیشتر به کاربرد نتایج تحقیقات و رشد آن می‌شود.

#### پی‌نوشت‌ها

- |                         |                               |
|-------------------------|-------------------------------|
| 1-Social Research       | 8-champ                       |
| 2-Research utilization  | 9- champ litteraire           |
| 3-R.K Merton            | 10- capital Symbolic.         |
| 4-Universalism          | 11- Interaction Rituals       |
| 5-Communism             | 12-Local Situation            |
| 6- Organized Skepticism | 13-Stratified random sampling |
| 7-Disinterestedness     |                               |

#### منابع

ابراهیمی، قربان علی (۱۳۷۱). "اجتماع علمی و رابطه آن با توسعه علمی". پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه تهران.

۳۴..... مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، سال سوم/شماره دوم/ بهار ۱۳۹۰

توکل، محمد(۱۳۷۰). علم و تعین اجتماعی. **فصل نامه سیاست علمی و پژوهش**. شماره دوم.

\_\_\_\_\_ (۱۳۷۰). **جامعه شناسی علم**. تهران: موسسه علمی و فرهنگی،

توسلی، غلامعباس و نهال ریاضی(۱۳۸۸). جامعه پذیری علمی در ایران ارائه مدل پارادایمی بر اساس روش نظریه

زمینه‌ای (Grounded Theory) **مجله جامعه شناسی معاصر**، شماره چهارم،

جهانبخش، اسماعیل(۱۳۸۶). بررسی وضعیت تحقیقات اجتماعی در دانشگاه های کشور. **نشریه الکترونیک جامعه**

**شناسی ایران**،

سیف الهی، سیف الله(۱۳۷۲). پایگاه تحقیقات اجتماعی ایران در برنامه ریزی توسعه اقتصادی\_اجتماعی ایران.

**ماهنامه جمعیت**، شماره ۴۰۳، بهار و تابستان،

\_\_\_\_\_ (۱۳۷۴). **اقتصاد سیاسی ایران، مجموعه مقاله ها و نظرها**. تهران: انتشارات پژوهشکده

جامعه پژوهی و برنامه ریزی المیزان،

قانع راد، محمد امین(۱۳۸۵). وضعیت اجتماع علمی در رشته علوم اجتماعی. **نامه علوم اجتماعی**. شماره ۲۷،

\_\_\_\_\_ (۱۳۸۵). **تعاملات و ارتباطات در جامعه علمی**، بررسی موردی در رشته علوم اجتماعی،

تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی،

کرایب، یان(۱۳۸۶). **نظریه اجتماعی مدرن از پارسونز تا هابرماس**. ترجمه عباس مخیر. تهران: نشر آگه،

محسنی، منوچهر(۱۳۸۶). **مبانی جامعه شناسی علم**. تهران: انتشارات طهوری،

موسوی، یعقوب(۱۳۷۹). **الگوهای معرفتی \_اجتماعی توسعه و موانع عمده عدم توسعه علوم اجتماعی**. **مجله علوم**

**اجتماعی دانشگاه الزهراء**،

\_\_\_\_\_ (۱۳۸۹). "ساختار علم در چالش میان جهان شمولی، بوم گرایی و محلی گزینی". مجموعه مقالات

همایش علم جهانی و علم بومی، انجمن جامعه شناسی ایران، انتشارات جامعه شناسان، اردیبهشت،

مولکی، مایکل(۱۳۷۶). **علم و جامعه شناسی معرفت**. ترجمه: حسین کچوئیان. تهران: نشر نی،

Giddens, A(1979). **Central Problems in Social Theory**. London: Macmillan,

Herrera , Amilcar(1972). **Social Determainsts of Science in Latin Amirica**. In  
cooperCharles ,

Merton, R. K. et al(1977). **The Sociology of Science in Europe**. Carbondale  
(U.S.A): Southern Illions University Press,

Ritzer, George(1989). **Contemporary Sociological Theory**, Mc Growhill.

Rrher, H, & Morrison B.(2002). **Research -utilization- Application of findings, The  
workshop,**

Statistical Yearbook, Unesco 1998

Weininger, Elliot, B & Lareau, Annette(2003). **Cultural Capital**, University of  
Maryland, College Park,